**زحيلى، وهبة. العلاقات الدولية فى الاسلام ـ مقارنة بالقانون الدولى الحديث.**

**چاپ اول: بيروت، مؤسسة الرسالة، 1401 ه ق.**

**كاوش و بررسى درباره «حكومت در اسلام» و مسائل جانبى آن از دير باز ميان دانشمندان اهل سنّت رواج داشته است.**

**نويسندگان ذيل را مى‏توان از پيشگامان اين ميدان بشمار آورد:**

**ابوعبيد قاسم بن سلام (م 224 ه ق) نويسنده كتاب الاموال؛ محمد بن حبيب بصرى بغدادى معروف به ماوردى (م 450 ه ق) مؤلف كتاب الاحكام السلطانية؛ و الولايات الديبنية؛ ابى يعلى محمد بن الحسين الفراء الحنبلى (م 458 ه ق) مولف كتاب الاحكام السلطانية؛ محمد بن احمد القرشى (م 729 ه ق) مؤلف كتاب معالم القربة فى احكام الحسبة؛ و عبدالحى الكتانى مؤلف كتاب نظام الحكومة النبوية المسمى التراتيب الادارية.**

**گرچه بيشتر اهتمام اين نويسندگان تأييد حكومتهاى موجود، چه نظام خلافت، پادشاهى و يا اشكال ديگر حكومت بوده، ليكن در قرن 14 انديشمندانى در عرصه بحث و تحقيق درباره ساختار حكومت در اسلام و معيارهاى ارزشى آن پاى نهادند كه وجهه همت خويش را مصرف اين امر داشته‏اند كه اسلام فقط دين آخرت نيست، بلكه دينى است در جهت سعادت و كمال زندگى اين جهانى و آن جهانى انسان. بنابر اين نمى‏تواند از مسأله اساسى و بنيادينى چون حكومت و شيوه اداره جامعه، غافل بوده برنامه‏اى در اين زمينه نداشته باشد.**

**اين انديشه در كشورهاى اسلامى، بويژه مصر، از سوى احياگر و متفكر بزرگ عالم اسلام، سيد جمال الدين اسد آبادى و شاگرد و همسنگرش شيخ محمد عبده مطرح گرديد.**

**تجسم عينى اين آرمان را مى‏توان انقلاب شكوهمند اسلامى ايران دانست.**

**امام خمينى (ره) با مطرح كردن ايده حكومت اسلامى و ولايت فقيه، تز «نظام سياسى اسلام» را بطور همه جانبه‏اى عنوان نمود.**

**آنچه در جوامع علمى جهان اسلام، خصوصاً كشور مصر، در نيمه دوم قرن چهاردهم درباره حكومت اسلامى و نظام سياسى نگارش يافته است، از انديشه بلند مرحوم امام الهام گرفته است. نشر كتابهاى متعدد و رساله‏هاى علمى بسيار در دانشگاههاى كشورهاى اسلامى، پس از پيروزى انقلاب اسلامى ايران، در زمينه ساختار حكومت اسلامى و مسائل جانبى آن، يكى از نشانه‏هاى تأثير اين جنبش عظيم در طرح مسائل مربوط به حكومت از ديدگاه اسلام است.**

**\* \* \***

**دكتر وهبه زحيلى، از دانشمندان مسلمان مصرى است كه همزمان با تدريس در دانشگاه دمشق و برخى ديگر از دانشگاههاى كشورهاى اسلامى، به تحقيق و نگارش درباره مباحث مختلف اسلامى دست يازيده است. از آثار متعدد و متنوع وى، مى‏توان به اين مورد اشاره كرد: بحث الدولة الاسلاميّة، آثار الحرب، القرآن الكريم بنية التشريعية، و خصائصه الحضارية، اصول الفقه الاسلامى، نظرية الضرورة الشرعيه.**

**وى در كتاب مورد معرفى (روابط بين المللى در اسلام ـ بحثى تطبيقى با قانون بين المللى جديد) انگيزه خويش در كار تأليف كتاب را چنين بيان مى‏كند:**

**«سنت جارى در جامعه بشرى آن است كه همواره سخن قدرتمند مسموع، رأى او نافذ و نامش هراس انگيز است. به همين خاطر منطق زور و سلطه بر روابط جهانى، اجتماعى و فردى حاكم است؛ امّا ضعيف گرچه حق با او باشد، سخنش شنوايى ندارد؛ و هر چند فرياد برآورد، به حق او توجهى نمى‏شود؛ مگر آنكه نيروى لازم براى حفظ حقوق و مصالح خويش را به چنگ آورد.**

**لذا از ديدگاه واقع نگرى و منطقى، دعوت قرآن كريم به آماده سازى نيروهاى مادى و معنوى مسلمانان و طرح جهاد به عنوان سمبل عظمت و وسيله تعالى اسلام، دعوت و راهى بخردانه است.**

**متأسفانه امروزه مسلمانان در حالت ضعف، سستى ركود و تفرقه بسر مى‏برند، و تا چنين است، جهانيان سخن آنها را نمى‏شنوند و انديشه، دين، قوانين و احكام شريعت آنها را نمى‏شناسند.**

**اسفناكتر آنكه نسل جوان مسلمان امروز ما فريفته غرب (و فرهنگ مبتذل آن) و پيشرفت صنعتى آن گرديده است. خويشتن و مكتب فكرى خود را فراموش كرده است.**

**اگر كسى بخواهد از اسلام، حدود اختيارات دولت، احكام و قوانين و اصولى كه مبناى زندگى بشر هستند، سخن گويد با برخوردهاى سرد و نوميد كننده مواجه مى‏شود؛ ليكن با وجود اين گونه برخوردها، بشر ناگزير است براى سعادت و كمال در دنيا و آخرت، و آرامش روحانى و روانى به هدايت آسمانى روى آورد (زيرا سرگردانى و حيرانى دنياى مادى، انسان معاصر را سردرگم نموده است.) و هدايت الهى راهگشاى بشر، امروزه در قرآن كريم و سنّت نبوى صلى‏الله‏عليه‏و‏آله متبلور است. ما در اين كتاب با تكيه به ضوابط فقهى و واقعيتهاى تاريخى (عصر پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله ، خلفاى راشدين و ساير دولتهاى اسلامى) اصول قوانين بين المللى در شريعت اسلام در هنگام جنگ و صلح را بيان مى‏كنيم و با قوانين بين المللى جديد (منشور سازمان ملل متحد) مقايسه مى‏كنيم «تا حقيقت انسانى بودن قوانين شريعت اسلام روشن گردد». (ص 5 ـ 7 كتاب)**

**\* \* \***

**دكتر وهبه زحيلى، كتاب را در يك مقدمه (تمهيد) و دو باب تنظيم كرده است.**

**وى در مقدمه به مباحث اساسى پرداخته است؛ مباحثى نظير:**

**الف ـ اسلام دينى سياسى است (ص 9).**

**ب ـ چهره جامعه در زمانهاى پيشين و دوران اسلامى (ص 12).**

**ج ـ چهره جامعه بين المللى جديد پس از ظهور انديشه دولت (ص 15).**

**د ـ اساس تنظيم روابط بين المللى در شريعت اسلام (ص 17).**

**نويسنده در باب اول كتاب با عنوان «تنظيم روابط بين المللى در حال جنگ» (ص 25 ـ 89) پنج بحث را مطرح كرده است و بصورت گسترده از قوانين و ضوابط جنگ در اسلام و رعايت اصول انسانى و اخلاقى بحث مى‏كند. مباحث پنجگانه اين باب از كتاب بدين قرار است:**

**انگيزه جنگ در اسلام (ص 25)**

**حالتهاى مشروع جهاد (ص 29)**

**آغاز جنگ (ص 37)**

**قوانين جنگ (ص 45)**

**پايان جنگ (ص 75)**

**باب دوم اين كتاب زير عنوان «تنظيم روابط بين المللى در حال صلح» (ص 93 ـ 189) درباره روابط بين المللى اسلام در زمان صلح، ارزش و اهميت صلح، مقصود از رهبرى در اسلام و پايبندى به معاهدات بين المللى بحث شده است.**

**گرچه در موضوع روابط بين المللى اسلام در حال جنگ و صلح، و مقايسه آن با قوانين بين المللى جديد، كتابهاى مختلفى نگارش يافته است ليكن كتاب مورد معرفى از ويژگيهاى قابل توجهى برخوردار است. يكى از اين ويژگيها، بررسى تطبيقى مسائل از ديدگاه فقه مذاهب مختلف اسلامى (شافعى، مالكى، حنبلى، حنفى، شيعه اماميه، زيديه و ظاهريه) مى‏باشد.**

**\* \* \***

**در پايان شمارى از كتابهاى نگارش يافته در زمينه روابط بين المللى در اسلام ياد مى‏شوند:**

**1 ـ ابوزهره، محمد. العلاقات الدولية فى الاسلام.**

**2 ـ ارمنازى، نجيب. الشرع الدولى فى الاسلام.**

**3 ـ خضورى. السلام و الحرب فى الشريعة الاسلامية.**

**4 ـ خلاف، عبدالوهاب. السياسة الشرعية او نظام الدولة فى الاسلام.**

**5 ـ سلطان، حامد. احكام القانون الدولى فى الشريعة الاسلامية.**

**6 ـ شلتوت، محمود. الاسلام و علاقات الدوليّة.**

**7 ـ لافى، محمد. احكام الحرب و السلم ـ دراسة مقارنة.**